خبر

شاکیان خفاش شب کرج در انتظار محاکمه

■ شاکیان مردی که به شیوه خفاش شب اقدام به ربودن، آزار و اذیت زنان و دختران می‌کرد، با گذشت بیش از یک سال از دستگیری این متهم در انتظار محاکمه او هستند. اوایل خرداد ماه سال ۸۸ زنی با مراجعه به پلیس آگاهی استان تهران ادعا کرد مورد تعرض قرار گرفته است. او به کارآگاهان گفت در منطقه گلشهر منتظر تاکسی بود اما به دلیل تاریکی هوا سوار یک خودرو شخصی شد و راننده در میانه راه، ضمن تغییر مسیر با تهدید چاقو وی را مورد آزار و اذیت قرار داد. این زن گفت: «هر چه سعی کردم، نتوانستم در خودرو را باز کنم و راننده، مرا در بیابان‌های اطراف ساوجبلاغ مورد آزار و اذیت قرار داده و با همان وضعیت رهایم کرد و گریخت.» ماموران با دریافت این شکایت تحقیقاتی را برای شناسایی و دستگیری این راننده آغاز کردند اما تفحص‌ها به نتیجه نرسید تا اینکه شکایت مشابه دیگری مطرح شد و این بار دختر جوانی گفت یک راننده به ظاهر مسافرکش او را در بیابان‌های ساوجبلاغ مورد آزار و اذیت قرار داده است. کارآگاهان با توجه به گفته‌های دو شاکی متوجه شدند متهم، طعمه‌های خود را با پرسه‌زنی در ساعات پایانی روز انتخاب می‌کند. در حالی که پلیس همچنان دنبال ردی از این مرد بود چهار شکایت مشابه دیگر نیز در کرج و ساوجبلاغ مطرح شد و کارآگاهان با شنیدن اظهارات قربانیان به سرنخ‌های جدیدی دست یافتند و در ادامه فهمیدند سه زن و دختر جوان دیگر نیز با همین شیوه در قزوین ربوده شده و مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. با توجه به افزایش تعداد شکایت، تحقیقات گسترش یافت و با بررسی سوابق افرادی که با این شیوه اقدام به ربودن و آزار و اذیت زنان و دختران جوان می‌کردند، فردی به نام «حسن» ـ معروف به سیامک ـ که پیش از این نیز هفت بار به اتهام جرایم مختلف از جمله کیف‌قاپی، قدرت‌نمایی، آدم‌ربایی مسلحانه، مظنونیت به قتل عمد، مزاحمت، ایجاد ضرب و شتم و سرقت در کرج و قزوین دستگیر و زندانی شده بود، مورد ظن ماموران قرار گرفت. کارآگاهان با کشف سرنخ‌هایی از سیامک در پرونده‌های اخیر، محل‌های تردد او را در کرج شناسایی کردند و مورد بررسی قرار دادند تا اینکه سرانجام این مرد در حالی که سوار بر یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ بود، در منطقه مارلیک شناسایی شد. با محاصره سیامک توسط کارآگاهان پلیس آگاهی، یکی از کارآگاهان برای دستگیری این متهم راه را وی بست اما این تبهکار با سرعت زیاد مامور پلیس را زیر گرفت و گریخت. ماموران دیگر نیز همکار خود را به سرعت به بیمارستان منتقل کردند اما گروهبان نظری (مامور مصدوم) پیش از رسیدن به بیمارستان در اثر شدت جراحات وارده ناشی از تصادف، جان باخت. در پی وقوع این حادثه سرانجام ماموران موفق شدند سوم آذر سال ۸۸ مخفیگاه سیامک را در مهرشهر کرج شناسایی کنند و آنجا را به محاصره خود در آورند. این متهم که متوجه حضور ماموران در اطراف مخفیگاه خود شده بود، از راه پشت بام وارد منزل مسکونی همسایه کناری شد و اعضای آن خانواده را گروگان گرفت و تهدید کرد چنانچه اجازه فرار به وی داده نشود، گروگان‌ها را خواهد کشت. با این حال سیامک وقتی دریافت نقشه‌اش به جایی نمی‌رسد برای فرار، خود را به پشت بام رساند و در این هنگام ماموران پلیس برای متوقف کردن این متهم سه گلوله به سمت وی شلیک و او را دستگیر کردند. سیامک پس از بازداشت به بیمارستان انتقال یافت و بعد از بهبودی نسبی در اختیار مقام قضایی قرار گرفت. پس از آن افراد دیگری نیز از وی اعلام شکایت کردند. سرانجام با گذشت یک سال و پنج ماه از دستگیری این متهم، کیفرخواست سیامک که به خفاش شب کرج مشهور شده است، اواخر اسفند سال گذشته صادر شد و پرونده برای رسیدگی و تعیین حکم در اختیار دادگاه کیفری قرار گرفت. در حال حاضر شکایت این پرونده در انتظار رسیدگی قانونی به پرونده وی هستند.

کلاهبرداری از مشمولان

■ شرق: شخصی که با جعل عنوان مامور نیروی انتظامی و با وعده صدور کارت پایان خدمت سربازی اقدام به کلاهبرداری کرده بود، روانه زندان شد. چندی پیش مردی با مراجعه به دادسرای ناحیه یک تهران طی شکایتی گفت: مدتی قبل با فردی به نام محسن آشنا شدم. او ادعا می‌کرد از پرسنل نیروی انتظامی است و اختیاراتی در سازمان نظام وظیفه دارد. محسن که می‌دانست من به خدمت سربازی نرفته‌ام به من گفت، می‌تواند برایم کارت معافیت فراهم کند ولی اگر تعدادمان بیشتر باشد راحت‌تر می‌تواند این کار را انجام دهد. شاکی ادامه داد: به همین دلیل من به همراه پنج نفر از دوستانم تصمیم گرفتیم که در ازای پرداخت مبلغی پول، کارت معافیت از سربازی را تهیه کنیم و قرار شد محسن دو هفته بعد از گرفتن پول‌ها، کارت را در اختیار ما قرار دهد، ولی پس از آن، هربار که به منزل او می‌رفتیم کسی نبود و تلفنش نیز واگذار شده بود. پس از تحقیق متوجه شدیم او مدت‌ها پیش از نیروی انتظامی اخراج شده و پس از ثبت شکایت تلاش ماموران پلیس برای دستگیری متهم آغاز و سرانجام وی بازداشت شد و در جریان بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد.

عکس: گل آرا سجادیان، شرق

حکم عامل اسیدپاشی به آمنه روز شنبه اجرا می‌شود

چشم در برابر چشم

شرق: حکم قصاص دو چشم یک اسیدپاش صبح روز شنبه آینده در تهران اجرا می‌شود. محکوم این پرونده جوانی است که دختر مورد علاقه‌اش به نام آمنه بهرامی را با اسید سوزاند و چشمان او را به طور کامل نابینا کرد.

این جوان که مجید موحدی نام دارد، روز ۱۲ آبان سال ۸۳ با یک ظرف اسید در حوالی پل سیدخندان به آمنه حمله کرد و او را سوزاند. این اتفاق درست مقابل بیمارستان رسالت رخ داد و آمنه بلافاصله به آنجا منتقل شد اما کادر درمانی نتوانستند کار مفیدی برای او انجام بدهند و دختر دانشجو به بیمارستان سوانح و سوختگی شهید مطهری انتقال یافت و در آنجا نیز اقدامات درمانی موثر واقع نشد. آمنه بعد از مدتی در حالی که بینایی هر دو چشمش را از دست داده، صورتش سوخته و موهایش ریخته بود با کمک سید محمد خاتمی به اسپانیا رفت تا در آنجا تحت جراحی قرار بگیرد تا شاید بتواند چشمانش را از نابینایی نجات دهد اما در آن کشور هم مداواها هیچ نتیجه مطلوبی نداشت. تراژدی این اسید پاشی به دست مجید وقتی کلید زده شد که این جوان از ازدواج با آمنه به طور کامل قطع امید کرد. او که با آمنه در یک دانشگاه درس می‌خواند به وی علاقه‌مند شد و پیشنهاد ازدواج داد اما پاسخ منفی آمنه را تحمل نکرد. این جوان در جلسه محاکمه‌اش که در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد گفت: با آمنه در دانشگاه آشنا شدم و برای خواستگاری با خانواده او تماس گرفتم، نمی‌دانم چه شد که آمنه از من برید و گفت دیگر نمی‌خواهد با من ازدواج کند. او حتی خانه‌اش را هم عوض کرد و نشانی‌اش را به من نداد. من دوباره آدرس را پیدا کردم و به او گفتم عاشقش شده‌ام و نمی‌توانم فراموشش کنم. آمنه من را در حد خود نمی‌دید و تحقیرم می‌کرد؛ به همین خاطر هم جواب رد می‌داد. هرچه تلاش کردم نتوانستم او را فراموش کنم. تا اینکه چند روز قبل از حادثه گفت نامزد کرده است. او از من خواست دیگر مزاحمش نشوم. کسی که آمنه به عنوان نامزدش معرفی کرد یکی از دوستان من بود. از به دست آوردن این دختر به طور کامل ناامید شده بودم. به همین خاطر هم تصمیم گرفتم به صورتش اسید بپاشم تا مجبور شود فقط با من ازدواج کند. بعد از اسیدپاشی بود که فهمیدم آمنه نامزد نکرده و دروغ گفته بود تا من را از سرش باز کند. من عاشق آمنه بودم و او این موضوع را نمی‌فهمید. او درباره نحوه تهیه اسید نیز گفت: چون شیمی می‌خواندم می‌دانستم چه مقدار اسید می‌تواند صورت را بسوزاند. اسید را خریدم و به مقابل شرکتی رفتم که آمنه در آنجا کار می‌کرد، وقتی از شرکت بیرون آمد، تعقیبش کردم و مقابل یک پارک در نزدیکی پل سیدخندان اسید را به صورتش پاشیدم و فرار کردم. هنوز هم باور ندارم این کار را کرده باشم. من پشیمان هستم و باز هم می‌گویم آمنه را دوست دارم و حاضر هستم با او ازدواج کنم. هرچند مجید درخواست بخشش کرد اما آمنه که پیش از این حادثه دانشجوی مهندسی الکترونیک بود و پس از آن زندگی‌اش دگرگون شده بود به این خواهش‌ها توجهی نکرد و سرسختانه خواستار قصاص او شد. در نهایت حکم قصاص دو چشم مجید که از سوی شعبه ۷۱ صادر شده بود در دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفت و آماده اجرای حکم شد. بعد از شش سال، روز گذشته آمنه در گفت‌وگویی با خبرنگار ما اعلام کرد: قرار است این حکم شنبه اجرا شود و به او ابلاغ کرده‌اند زمان اجرای حکم در بیمارستان مورد نظر باشد. آمنه بهرامی که زمان از دست دادن دو چشمش فقط ۲۵ سال داشت روز گذشته به خبرنگار ما گفت: برای اجرای این حکم اصرار دارد و گذشت نخواهد کرد. او گفت: من از دو چشم نابینا شدم و زندگی‌ام دگرگون شد من می‌توانستم زندگی خوبی داشته باشم. آمنه ادامه داد: برای عمل پوست به خارج رفته بودم که با من تماس گرفتند و گفتند زمان اجرای حکم فرارسیده است من هم برگشتم. آن طور که به من گفته‌اند قرار است این حکم ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه در بیمارستان دادگستری تهران اجرا شود. اگر بتوانم خودم حکم را اجرا خواهم کرد و اگر نه پزشکی آنجاست که حکم را اجرا خواهد کرد. آمنه درباره اینکه آیا ممکن است در تصمیمش برای اجرای حکم تجدید نظر کند گفت: نمی‌دانم. فکر نمی‌کنم. همه فکر می‌کنند چون من زن هستم مجید را می‌بخشم. عده‌ای هم فکر می‌کنند من پول گرفته‌ام و رضایت داده‌ام، به همین دلیل هم حکم اجرا نمی‌شود. می‌خواهم حکم را اجرا کنم تا تصور نشود احکام دادگستری اجرا نمی‌شود. به هر حال شنبه به بیمارستان خواهم رفت. آمنه گفت: از من خواستند دیه‌ای را که برای سایر قسمت‌های صورتم صادر شده است ببخشم. گفتند مجید گناه دارد اما من قبول نکردم اگر پول دیه را ندهد بعد از قصاص چشم باید به زندان بازگردد تا دیه را بپردازد. مجید، متهم پرونده که زمان حادثه در رشته شیمی درس می‌خواند، مدتی پیش گفت‌وگوی کوتاهی با خبرنگار ما انجام داده و گفته بود: آمنه رفتار تحقیرآمیزی با من داشت و همین باعث شد که دست به این کار بزنم. آن روز من اسید خریدم و منتظر او شدم و بعد که آمد در نزدیکی پارک سید خندان اسید را به صورت او پاشیدم. مجید گفت: از آمنه می‌خواهم من را ببخشد. من اشتباه کردم. قسم می‌خوردم که آن روز حالت عادی نداشتم. با قصاص من چیزی تغییر نمی‌کند. حالا همه چیز به تصمیم قطعی آمنه بستگی دارد آیا او روز شنبه رضایت خواهد داد یا مجید قصاص می‌شود؟

مرد همسرکش بعد از محاکمه به قصاص محکوم شد

شغل پنهانی زن او را به کام مرگ کشاند

شرق: مردی که همسرش را با ساتور به قتل رسانده بود با اکثریت آرا در دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، پرونده قتل زن میانسال به دست همسرش دو سال قبل تشکیل شد. مطابق گزارش ماموران متهم که خداداد نام دارد، همسرش زیبا را به خاطر اینکه بدون اطلاع او خانه خریده بود به قتل رساند و جسد خون‌آلودش را در منزل رها کرد. با دستگیری متهم و تشکیل پرونده، او به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران معرفی و جلسه رسیدگی به اتهامش صبح دیروز برگزار شد. در ابتدای این جلسه روشن نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و در توضیح کیفرخواست گفت: ماموران پلیس چهار اردیبهشت ماه دو سال قبل باخبر شدند جسد غرق در خون زنی به نام زیبا در خانه‌اش واقع در خاوران رها شده است. کسانی که این موضوع را به ماموران خبر دادند، اعضای خانواده زیبا بودند. وقتی پلیس در محل حاضر شد دریافت این زن به دست یک آشنا کشته شده است. بنابراین به سراغ شوهر او رفت و خداداد را بازداشت کرد. متهم ۵۴ ساله به قتل همسرش اعتراف کرد و علت آن را خرید خانه توسط همسرش بدون اطلاع او و کار کردن بیرون از خانه عنوان کرد. در ادامه این جلسه نماینده دادستان خواستار قصاص متهم شد و اولیای دم مقتول نیز برای خداداد درخواست مجازات مرگ کردند. سپس متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: اتهام قتل را قبول دارم اما آن زمان در حال عادی نبودم و نمی‌دانستم چه می‌کنم. دو روز بود که دچار بی‌خوابی بیمارگونه شده بودم. ۴۸ ساعت نتوانستم بخوابم و حالم به شدت بد بود. مسایلی هم مطرح شده بود که من به خاطر آن از دست همسرم ناراحت بودم. مدتی قبل از این ماجرا متوجه شده بودم او خانه‌ای خریده و موضوع را به من نگفته است. این مساله به شدت ناراحتم کرد. ما سال‌ها با هم زندگی کرده بودیم و از مخفی‌کاری همسرم خیلی ناراحت بودم. متهم به قتل ادامه داد: «هر روز صبح به مغازه قصابی‌ام می‌رفتم و شب بر می‌گشتم و متوجه نمی‌شدم همسرم در خانه چه می‌کند تا اینکه یک روز به طور اتفاقی متوجه شدم او بعد از خروج من از خانه بیرون می‌رود، وقتی بیشتر در این مورد تحقیق کردم، متوجه شدم زیبا به مغازه دایی‌اش می‌رود و در آنجا کار می‌کند. من دوست نداشتم همسرم کار کند و همین موضوع باعث درگیری ما شده بود. تا اینکه روز حادثه بدحال شدم. بی‌خوابی من را از حالت عادی خارج کرده بود. به یاد ندارم زمان حادثه دقیقا چه اتفاقی افتاد. حتی به یاد ندارم او را به قتل رساندم.» در این هنگام قاضی عزیز محمدی، رییس دادگاه، از متهم پرسید اگر به یاد نداری چطور همسرت را کشتی پس چطور جزییات ماجرا را در بازجویی‌ها گفته‌ای؟ متهم جواب داد: «من کاغذ سفید امضایی به ماموران آگاهی دادم آنها هم داخل آن را پر کردند من دیگر متوجه نشدم چه اتفاقی افتاد.» در ادامه به دستور قاضی عزیز محمدی این بار فیلم اعترافات متهم در دادگاه پخش شد. در این فیلم متهم به وضوح صحبت می‌کرد و توضیح می‌داد چطور همسرش را به قتل رسانده است. خداداد در این فیلم گفته بود: با همسرم جر و بحث کردم و اختلافاتی که از قبل داشتیم دوباره به میان آمد. ساتوری را که همراه آورده بودم برداشتم و به سمت او رفتم و با ضربات متعدد ساتور همسرم را کشتم. لباس‌هایم خونی شده بود، آنها را عوض کردم و بعد به اتاق پشتی رفتم و خوابیدم. چند ساعتی خواب بودم تا اینکه بچه‌ها به خانه آمدند و جسد مادرشان را دیدند و موضوع را به ماموران گزارش دادند. وقتی این گفته‌های متهم پخش شد، او فقط سکوت کرد و زمانی که مورد سوالات متعدد قاضی قرار گرفت فقط گفت من همسرم را دوست داشتم و اصلا با او مشکلی نداشتم. بعد از پایان جلسه محاکمه، هیات قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران وارد شور شدند و متهم را در اتهام قتل همسرش مجرم شناختند و با اکثریت آرا به قصاص محکوم کردند.

افشای راز مفقود شدن راننده مسن پژو

سارقان شربت مرگ تعارف کردند

شرق: دو سارق که به طمع سرقت از راننده یک خودرو پژو آردی، او را با شربت مسموم کرده بودند، مرگ طعمه‌شان را رقم زدند. به گزارش خبرنگار ما روز ۱۷ بهمن سال گذشته مردی با مراجعه به کلانتری افسریه از مفقود شدن پدر ۷۳ ساله‌اش به نام محمد خبر داد و پس از آن کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیق در این رابطه را بر عهده گرفتند. آنها وقتی فهمیدند محمد یک روز قبل از اعلام گزارش توسط پسرش، سوار بر پژو آردی خود خانه را ترک کرده بود، مشخصات اتومبیل را به تمامی واحدهای انتظامی در سراسر کشور ابلاغ کردند تا این خودرو در هر کجا که مشاهده شد، متوقف شود و سرنشینانش بازداشت شوند. تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا اینکه روز هشت اسفند ماموران انتظامی کرمانشاه در حین گشتزنی پژو آردی را مشاهده و راننده آن را به نام بهنام دستگیر کردند، سپس گروهی از کارآگاهان تهرانی راهی کرمانشاه شدند تا از مرد مظنون بازجویی کنند. بهنام در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: «خودرو را یکی از دوستانم به نام پیام به مبلغ ۹ میلیون تومان به من فروخته است. او هنگام تنظیم قولنامه تمام مدارک شناسایی خودرو را به غیر از سند مالکیت به من تحویل داد. به همین علت تصور نمی‌کردم آردی باشد پیام حتی برای اطمینان بیشتر قبول کرد مبلغی از قیمت ماشین را هنگام تنظیم قرارداد محضری و انتقال سند بپردازم.» اطلاعاتی که این مرد به پلیس ارایه داد، فرضیه کشته شدن محمد را با انگیزه سرقت خودرواش قوت بخشید؛ به همین دلیل این بار کارآگاهان اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران در نامه‌ای به پلیس سراسر کشور خواستار آن شدند تا کشف هر جسد مجهول‌الهویه‌ای را که با سن و مشخصات ظاهری مرد مفقودی مطابقت داشته باشد، به آنها اعلام کنند. سرانجام روز ۱۵ فروردین سال جاری از تاکستان خبر رسید جنازه‌ای ناشناس متعلق به مردی حدودا ۷۰ ساله در حاشیه شهر پیدا شده است. کارآگاهان در این مرحله همراه خانواده محمد راهی تاکستان شدند و به این اطمینان رسیدند که جنازه متعلق به همین مرد است. پس از آن جست‌وجوها برای یافتن پیام شدت گرفت و این مرد ۲۷ ساله چند روز قبل در یکی از شهرهای غربی کشور دستگیر و به تهران منتقل شد. پیام در بازجویی‌ها به نقش داشتن در این ماجرا اقرار کرد و گفت با همدستی یکی از دوستانش به نام محسن، پیرمرد را مسموم و خودرو او را سرقت کرده است. او گفت: «حدود سه سال است که با محسن دوست هستم و در طول این مدت بیشتر اوقات را با یکدیگر سپری می‌کردیم تا اینکه حدود سه ماه پیش در پارک با پیرمردی که برای استراحت و قدم زدن به آنجا آمده بود، آشنا شدم پس از آن محسن نیز با پیرمرد ارتباط دوستانه پیدا کرد تا اینکه یک روز محسن به من گفت وضعیت مالی این پیرمرد بسیار مناسب است و همیشه مبلغ زیادی پول همراه خود و در ماشین دارد. محسن به من پیشنهاد داد با مسموم کردن محمد از او سرقت کنیم، من هم قبول کردم.» متهم در ادامه اعترافات خود گفت: «پس از تهیه آبمیوه مسموم، روز ۱۷ بهمن با محسن، قرار ملاقات گذاشتم تا آب‌میوه را به دست او برسانم ساعت ۱۸ آن روز محسن مجددا با من تماس گرفت و گفت آبمیوه را به محمد داده و او نیز پس از نوشیدن آن، داخل خودرو شخصی‌اش بیهوش شده است. با محسن قرار گذاشتم و او نیز سوار بر خودرو و در حالی که محمد در صندلی عقب خودرو افتاده بود، به محل قرار آمد و به سمت خارج شهر حرکت کردیم. در طول مسیر بود که متوجه شدیم آبمیوه باعث مسمومیت محمد شده و به همین علت او را قبل از رسیدن به ایستگاه پلیس راه از خودرو به بیرون انداختیم.» پیام درباره فروش خودرو مسروقه نیز گفت: «در زمان پیاده کردن محمد تمامی مدارک شناسایی خودرو را از لباس‌هایش برداشتیم. پس از رسیدن به کرمانشاه بهنام را ملاقات کردم و به او گفتم ماشین را از محسن خریده‌ام و قصد فروش آن را دارم به این ترتیب آردی را به او فروختم اما پس از چند روز در ساعت سه نیمه‌شب بود که یکی از دوستان بهنام با من تماس گرفت و خبر دستگیری بهنام و توقیف خودرو را به من اطلاع داد. من هم بلافاصله با محسن به تهران برگشتم و پس از چند روز به تنهایی راهی شهرستان شدم.» ماموران در ادامه تحقیقات خود محسن را در حالی که به عنوان یک کارگر در یکی از رستوران‌های بازار تهران مخفی شده بود، شناسایی و این جوان ۲۳ ساله را بازداشت کردند. بنابر این گزارش در حال حاضر تحقیقات از دو متهم ادامه دارد.

پنج قاره

ازدواج همزمان ۷۰۰ سرخپوست

آسوشیتدپرس: ۳۵۰ زوج سرخپوست روز یکشنبه به صورت دسته‌جمعی ازدواج کردند. این ۳۵۰ زوج بولیویایی با لباس‌های رنگارنگ و با تشریفات کامل سرخپوستی با حضور اوو مورالس، رییس‌جمهور این کشور مراسم خود را در لاپاز برگزار کردند. در این مراسم، هزاران شاخه گل سفید بین این زوج‌ها پخش شد.

گربه گینسی

آسوشیتدپرس: نام یک گربه خانگی به دلیل خرخر کردن با صدای بسیار بلند در کتاب رکوردهای گینس به ثبت رسید. نماینده کتاب رکوردهای گینس در بیانیه‌ای اعلام کرد: این گربه سفید و خاکستری که اسموکی نام دارد، به دلیل خرخرهایی با صدای بسیار بلند توانست لقب گربه خرخری را در کتاب رکوردهای گینس از آن خود کند. راث آدامز صاحب این گربه ۱۲ ساله گفت: «فوریه امسال برای اولین بار هنگامی که صدای بلند خرخر کردن اسموکی را شنیدم از تعجب شوکه شدم. به همین دلیل، او را برای شرکت در مسابقه بلندترین خرخر آماده کردم و پس از آن داوران صدای او را ضبط کردند. در نهایت صدای بلند خرخر کردن اسموکی که ۶۷/۷ دسیبل است باعث شد تا نامش در کتاب رکوردهای گینس به ثبت برسد.

دستگیری چهار پلیس آدم‌ربا

آسوشیتدپرس: مقامات رسمی مکزیک از دستگیری چهار مامور پلیس این کشور و شش شهروند خارجی به اتهام آدم‌ربایی خبر دادند. یکی از مقامات ارشد پارتمان پلیس فدرال مکزیک در این‌باره گفت: این چهار مامور پلیس مکزیک با همدستی پنج شهروند اهل گواتمالا و یک هندوراسی به اتهام ربودن بیش از ۱۳۰ تبعه آمریکای مرکزی، توسط ماموران پلیس فدرال مکزیک شناسایی و دستگیر شدند. این مقام ارشد پلیس خاطرنشان کرد: تعدادی از مهاجران ربوده شده در یک ماه گذشته در خانه‌هایی تیمی در منطقه ری نوساهمرز با منطقه «مک‌آلن» ایالت تگزاس پیدا شدند. براساس اعلام سازمان مهاجرت مکزیک هر کدام از این افراد که اکثرا تبعه آمریکای مرکزی و مکزیک بودند، قرار بود برای آزادی مبلغ ۵۰۰ تا چهار هزار و ۵۰۰ دلار به آدم‌ربایان بپردازند.

مرگ آخرین بازمانده جنگ جهانی اول

ایسنا: آخرین بازمانده جنگ جهانی اول در استرالیا درگذشت. «کلود کولز» آخرین بازمانده جنگ جهانی اول که به نخودی معروف بود، در صد و ۱۰ سالگی در «پرث» استرالیا فوت شد. براساس اعلام رسانه‌های استرالیا، این مرد که در سوم مارس سال ۱۹۰۱ میلادی در منطقه ۱۱ «وورچسترشایر» انگلستان به دنیا آمده، در دو جنگ جهانی شرکت کرده و از هر دو هم جان سالم به در برده بود. این مرد در نیروی دریایی سلطنتی انگلستان طی سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۶ و در نیروی دریایی استرالیا بین سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۶ میلادی فعالیت کرده بود. او همچنین دارای چند نشان لیاقت از ارتش هر دو کشور بود. این مرد در تمام مدت زندگی برای رفت‌وآمد از دوچرخه استفاده می‌کرد و علاوه بر این داشتن زندگی سالم، رژیم غذایی مناسب و ورزش را عامل مهم در طول عمر خود اعلام کرده بود.

۱۰۵ کیلو کاهش وزن

تابناک: یک زن اهل ایالت کنتاکی آمریکا که در تمام طول عمرش به اضافه وزن دچار بود در مدت دو سال، ۱۰۵ کیلو وزن کم کرد. این زن که آنیتا میلز نام دارد روزی به این نتیجه رسید که زمان رهایی از وزن زیاد فرارسیده و در نتیجه توانست در مدت دو سال، ۱۰۵ کیلو کم کند. آنیتا برای کاهش وزن مربی خصوصی، رژیم غذایی سخت یا هیچ چیز دیگری را امتحان نکرد. او فقط چهار دستوری را که پزشکش تجویز کرده بود به درستی دنبال کرد. او در هر سه ساعت ۲۲۷ گرم غذا خورد، نوشیدنی‌های شیرین را کنار گذاشت، هیچ کدام از وعده‌های غذایی را حذف نکرد و به کسی درباره کاری که انجام می‌داد، حرفی نزد. این شیوه به کاهش وزن او کمک کرد و در حال حاضر دور کمر او ۶۶ سانتی متر است. آنیتا درباره این موفقیت‌اش گفت: من الان زندگی جدیدی را آغاز کرده‌ام. رسیدن به این نقطه شگفت‌آور است. انسان وقتی روی کاری تمرکز می‌کند هیچ چیز نمی‌تواند مانع‌اش شود.

حادثه‌ها

به اتهام قتل با انگیزه سرقت

مرد کر و لال به قصاص محکوم شد

■ شرق: متهم کر و لالی که مردی را به قتل رسانده و خودرواش را به سرقت برده بود، چهار سال بعد از قتل به قصاص و زندان محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، در جلسه محاکمه این مرد کر و لال که با حضور مترجمی از سوی بهزیستی برگزار شد، متهم ادعا کرد او فقط شاهد قتل بوده و قاتل شخص دیگری است. در ابتدای این جلسه که صبح دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد، نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و گفت: چهار سال پیش ماموران با شکایت زنی متوجه شدند مردی به نام علی گم شده است. همسر علی به پلیس گفت شوهرش با وانت‌نیسانش از خانه خارج شده و دیگر باز نگشته است. مدتی بعد از این ماجرا پلیس جسد سوخته مردی را که مشخصاتش با علی یکی بود، پیدا کرد. زمانی که زن مقتول جسد را دید از روی دندان‌های مصنوعی شوهرش او را شناسایی کرد. بنابراین پرونده با عنوان قتل در دستور کار پلیس بومهن قرار گرفت. ماموران سپس با ردیابی کارت سوخت متوجه شدند آخرین بار از این کارت در جایگاهی نزدیکی پیدا شدن جنازه استفاده شده است. بنابراین فیلم دوربین مداربسته مورد بررسی قرار گرفت و مردی که در حال فروش بنزین نیسان مورد نظر بود، شناسایی شد. این مرد ابراهیم نام داشت و با راهنمایی‌های او پلیس موفق شد قاتل اصلی به نام محسن را بازداشت کند. از آنجایی که متهم ناشنوا و لال است، با کمک کارشناسان بهزیستی او مورد بازجویی قرار گرفت و به قتل اعتراف کرد. در ادامه این جلسه فرزندان مقتول تقاضای قصاص قاتل پدرشان را مطرح کردند. سپس متهم معلول در جایگاه حاضر شد و با کمک کارشناس بهزیستی دفاعیاتش را مطرح کرد. او گفت: من اتهام را قبول ندارم. آن روز با ابراهیم بودم. ساعت دو بعد از نیمه‌شب بود. او به من گفت بالای تپه منتظر باشم. من هم قبول کردم او رفت و مدتی بعد برگشت فکر می‌کنم او مقتول را کشته است. سپس ابراهیم در جایگاه حاضر شد او گفت: من متهم را می‌شناختم. روز حادثه او را با یک نیسان دیدم. گفتم ماشین را از کجا آوردی؟ گفت آن را خریده است. از او خواستم به من در کار کاشت گندم کمک کند. قرار بود او پولی هم به من بدهد. چند ساعت بعد گفت هیچ پولی ندارد و می‌خواهد بنزینش را بفروشد ما با هم به پمپ بنزین رفتیم و چون او کر و لال بود، من برایش بنزین را فروختم و البته از روی فیلم همان جایگاه هم شناسایی شدم. با کمک من بود که متهم شناسایی شد من اصلا در جریان قتل نبودم. این مرد ادامه داد: من مرد کشاورزی هستم که با زحمت زیادی هزینه زندگی‌ام را تامین می‌کنم و بی‌دلیل گرفتار این موضوع شدم. متهم خودش مرتکب قتل شده است. بنا بر این گزارش هیات قضات بعد از پایان جلسه متهم را به جرم قتل عمد به قصاص و به جرم سرقت و جنایت بر میت به ۱۰ سال حبس محکوم کردند.

کلاهبرداری به بهانه پرداخت وام

■ شرق: پلیس با انتشار تصویر سرکرده یک باند کلاهبرداری که با وعده واگذاری وام ده‌ها نفر را فریب داده و میلیون‌ها تومان به جیب زده است، از شهروندان برای دستگیری او کمک خواست. به گزارش خبرنگار ما، اواخر آبان ماه سال ۸۹ مردی به کلانتری انقلاب رفت و مدعی شد شرکتی به بهانه واگذاری وام از او کلاهبرداری کرده است. شاکی در این‌باره گفت: از طریق آگهی یکی از روزنامه‌ها با شرکتی که در زمینه پرداخت وام فعالیت می‌کرد، آشنا شدم. چند روز بعد مبلغ دو میلیون تومان از یکی از بستگانم قرض گرفتم و آن را به عنوان کارمزد دریافت وام و حق ضامن به شرکت دادم. حدود یک ماه در نوبت دریافت وام ماندم و هر وقت با شرکت تماس می‌گرفتم آنها با وعده و وعید من را سرگرم می‌کردند تا اینکه چند روز قبل وقتی به شرکت رفتم با درهای بسته مواجه شدم و فهمیدم فریب خورده‌ام. با شروع تحقیقات در این‌باره کارآگاهان اداره چهاردهم پلیس آگاهی دریافتند دفتر شرکت تا چندی قبل محلی برای خرید و فروش وام بود اما اخیرا مدیران شرکت آنجا را تعطیل کرده و ناپدید شده‌اند. با ادامه یافتن بررسی‌ها مشخص شد علاوه بر شاکی ده‌ها نفر دیگر نیز فریب وعده‌های دروغین مدیران شرکت را خورده و مبالغی بین یک تا چهار میلیون تومان را به حساب شرکت واریز کرده‌اند. با تجمیع این شکایت‌ها به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه شش کارآگاهان جست‌وجوها را برای دستگیری عاملان این پرونده کلاهبرداری آغاز کردند. کارآگاهان با بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی خود به سرنخ‌هایی درباره متهمان دست یافتند و سرانجام آذرماه سال گذشته پنج نفر از آنان را در مخفیگاه‌هایشان شناسایی و بازداشت کردند. دستگیرشدگان در جریان بازجویی‌ها به ارتکاب کلاهبرداری اقرار کردند اما مدعی شدند سرکرده اصلی باند فردی به نام حسین است که توانسته خود را از دید پلیس مخفی کند. در چنین شرایطی بیضی‌زاده، بازپرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه شش مجوز انتشار تصویر بدون پوشش متهم فراری را صادر کرد تا افرادی که از مخفیگاه وی اطلاعی دارند، پلیس را در دستگیری وی کمک کنند.

در خانواده، جوان معتاد دارید؟
«مرهم» را در سینماها ببینید!